



بهارن ماه ۱۳۹۲

کارکرد اسلوب تاکید در رساندن معنا به مخاطب در سوره بقره

حسین کیانی^۱

فاطمه تقی‌زاده فرد^۲

چکیده

زبان مهمترین وسیله‌ی ارتباطی بشر است که به وسیله‌ی آن معانی و مفاهیم شکل گرفته در ذهن بیان می‌شود. بیان این معانی در قالب جمله تابع مقتضای حال مخاطب است. اگر کلام جاری شده از زبان بر اساس اقتضای حال مخاطب باشد، تاثیر آن بر مخاطب بیشتر است. از آنجا که قرآن کریم، کتابی سرنوشت ساز برای تمامی انسان‌ها می‌باشد، این موضوع در آن برجسته است. و براساس مقتضای حال مخاطب، از اسلوب‌های گوناگونی استفاده شده است. یکی از این اسلوب‌ها، اسلوب تاکید است که به گونه‌های مختلفی در قرآن بکار برده شده است.

در این پژوهش تلاش شده است مهمترین شیوه‌های تاکید جمله‌ی اسمیه در سوره بقره بررسی شود. بنابراین پس از تبیین مبانی پژوهش، اسلوب‌های تاکید در سوره بقره بر اساس روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به تنوع مباحثی که در این سوره مطرح شده، تاکید بوسیله اضافه شدن ادوات "إن" و "أن" و اسلوب قصر از برجسته ترین شیوه‌های تاکید در این سوره می‌باشد. اسلوب تاکید در این سوره وسیله‌ای برای تثبیت معانی در جان و قلب خواننده است تا از این طریق معنا به عنوان عقیده‌ای راسخ و ثابت در ذهن نقش ببندد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قرآن کریم برای بیان معانی تاکیدی در این سوره از روش‌های تاکیدی متنوعی با ترکیب‌های متناسب استفاده کرده است و همچنین دلالت‌های بر آمده از تاکید به صورت هماهنگی به کار برده شده است که با دلالت‌های بلاغی همچون اهتمام، اختصاص، تثبیت و تقریر و ... همراه گشته است.

کلید واژه‌ها: سوره بقره، اسلوب تاکید، قرآن کریم، سبک شناسی

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، استادیار بخش زبان و ادبیات عرب، hkyanee@yahoo.com

^۲ -مدرس دانشگاه پیام نور آباد- ztaghizadeh64@yahoo.com

بهمن ماه ۱۳۹۲

مقدمه

زبان قرآن ویژگی‌هایی دارد که آن را از لحاظ بلاغی از سایر سخنان متمایز می‌کند و این تمایز در، چگونگی کاربرد واژگان برای بیان معانی، جایگزینی هر لفظ در جای مناسب خود و رابطه‌ی آن با سایر اجزای جمله نمود پیدا می‌کند. قرآن کریم برای بیان معانی تأثیر گذار در ذهن مخاطب از تعبیرهای تصویری بهره برده است بنابراین اندیشه‌ها و مفاهیم را به صورت حسی به سان تابلوهای هنری بر مخاطب عرضه کرده است.

علم دلالت رابطه‌ی بین لفظ و معنا را مورد بررسی قرار می‌دهد این دانش از آنجایی که بسیاری از زبان شناسان گذشته بدان پرداخته‌اند، دانشی کهن و از آنجایی که اصول و بنیادهای آن در سال‌های آغازین قرن بیستم نگاشته شده است دانشی نوین به شمار می‌آید. این علم نقش بسزایی در فهم آیه‌های قرآن و نمایان کردن اعجاز بیانی آن و نیز استخراج و استنباط احکام شرعی دارد چرا که بررسی ظاهری جمله‌ها و ترکیب‌ها منجر به فهم نادرست تعبیرهای زبان قرآن گشته و آن را از شاهراه صحیح فهم و درک منحرف ساخته است. سوره‌ی بقره مانند دیگر سوره‌های قرآنی، جلوه‌های ویژه و ویژگی‌های هنری خود را دارد. آیه‌های آن به شکلی زیبا و روشی ویژه مرتب شده، در این سوره گروه‌های مختلفی از مؤمنان، کافران و منافقان مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

این پژوهش به بررسی دلالت‌های تاکید جمله اسمیه در سوره‌ی بقره می‌پردازد و به در پی پاسخ‌گفتن به این پرسش است که شیوه‌ی تاکید کلام در بیان احکام الهی و همچنین نحوه‌ی خطاب در برابر گروه‌های مختلف کفار و منافق و مؤمن چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخ، روش تحلیل محتوا انتخاب شده است. روش کار به این صورت بوده است که ابتدا جمله‌های اسمیه مؤکده در سوره‌ی بقره استخراج شده است و سپس دلالت‌های جمله‌های مؤکد بر اساس مقتضای حال مخاطب بررسی شده است اما به دلیل طولانی شدن بحث به ذکر مواردی بسنده می‌شود.

در پی مطالعات انجام شده برای انتخاب موضوع پژوهشگر به کتاب‌هایی دست یافته که هر کدام به نوعی به اسلوب تاکید اشاراتی داشته‌اند به عنوان نمونه فاضل صالح السامرائی (د.ت) در کتاب خود "معانی النحو" به بررسی مسائل نحوی و کاربرد دلالتی آنها می‌پردازد و محمد ابوموسی (۱۹۸۸) در کتاب خود "البلاغه القرآنیة فی تفسیر الزمخشری و اثرها فی الدراسات القرآنیة" به بیان نکات بلاغی در تفسیر زمخشری و تحلیل آیات قرآن پرداخته است و عبید دراز (۱۹۸۶) در کتاب خود "اسالیب القصر فی القرآن الکریم و اسرارها البلاغیة" به مهمترین شیوه‌های قصر در قرآن کریم پرداخته است، از دیگر منابع مهم می‌توان به کتاب‌های تفسیری اشاره کرد و لکن هیچ کدام از این کتاب‌ها به صورت جداگانه به بررسی کارکرد معنایی اسلوب تاکید در سوره‌ی بقره نپرداخته‌اند.

بهارن ماه ۱۳۹۲

دلالت جمله‌ی اسمیه‌ی مؤکده:

دلالت یعنی چیزی باعث شود که ذهن ما به چیز دیگری رهنمون گردد یا اینکه از علم به یک مورد، مورد دیگر حاصل آید و آن چیزی که موجب علم به دیگری می‌شود دال (لفظ) و آن چه به سبب دال به آن آگاهی می‌یابیم مدلول (معنا) نام دار. در واقع دلالت نزد دانشمندان علم لغت رابطه‌ی متبادل لفظ و معنا می‌باشد از این رو علم دلالت (Semantic) علمی است که به بررسی معنا می‌پردازد. (جرجانی، ۲۰۰۶/۵۶)

تاکید در لغت به معنای محکم کردن عهد و پیمان و آهنگ و قصد کاری را کردن می‌باشد (ابن منظور، ۱۹۷۷/۳/۴۶۱) (ابن فارس، ۱۳۸۶، ۱۹۷۹) و در اصطلاح، علوی در کتاب خود الطراز، تاکید را قرار گرفتن معنا در جان خواننده بیان می‌کند و فایده‌ی آن را از بین بردن شک و شبهه قرار می‌دهد (علوی، ۱۹۱۴/۲/۱۷۶) از این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که تاکید در لغت و اصطلاح به معنای شدت و استحکام و قرار گرفتن معنا در جان خواننده و شنونده می‌باشد.

به جمله‌ای که با اسم آغاز شده باشد جمله‌ی اسمیه می‌گویند و این نوع از جمله دلالت‌های مختلفی دارد که بر اساس ساختار کلام تغییر می‌کند، اصلی‌ترین دلالت آن، دلالت ثبوت مسند بر مسندالیه می‌باشد، از دیگر دلالت‌های آن می‌توان به دلالت اختصاص و تحقق فعل اشاره کرد. جمله‌ی اسمیه بر اساس وظایف دلالتی که دارد به سه دسته‌ی جمله‌ی مثبت خبری، جمله‌ی منفی خبری، جمله‌ی اسمیه‌ی مؤکد با ادوات تاکیدی مختلف تقسیم می‌شود.

کلام به دلیل وظیفه‌ای که در رساندن خبر و قرار گرفتن آن در جان خواننده و شنونده دارد با اسالیب تاکیدی مرتبط است. علم بلاغت به هماهنگی کلام با رعایت حال مخاطب می‌پردازد، پس نتیجه می‌گیریم که اسلوب تاکید از اسالیبی است که در این علم جای می‌گیرد پس اگر ذهن مخاطب خالی از خبر باشد کلام بدون لفظ تاکیدی می‌آید و اگر مخاطب دچار شک و تردید باشد از تاکید در کلام استفاده می‌شود و اگر مخاطب منکر قضیه باشد از ادوات تاکیدی مختلفی استفاده می‌شود.

قرآن کریم از تاکید به عنوان اسلوبی برای ثبوت معنا در جان و قلب خواننده و شنونده استفاده می‌کند تا اینکه کلام به عنوان عقیده‌ای راسخ در ذهن جای گیرد.

علمای نحو و بلاغت و لغت هر کدام حین بررسی اسلوب تاکید به نوعی اهمیت این اسلوب را بیان کرده‌اند و به بررسی جوانب معنایی و دلالتی و لفظی آن پرداخته‌اند برای نمونه علمای نحو به هنگام بحث در باب توابع، مبتدا و خبر و علمای بلاغت به هنگام نشان دادن حالات مسند و مسند الیه و بیان اسالیب قصر اهمیت این اسلوب را به وضوح نشان داده‌اند.

روش‌های تاکید کردن جمله‌ی اسمیه:

روش‌های زیادی برای تاکید کردن یک جمله وجود دارد که عبارتند از:

بهمن ماه ۱۳۹۲

۱- تاکید بوسیلهی تکرار لفظ و معنا:

تاکید لفظی که با تکرار فعل و یا حرف و یا اسم صورت می‌گیرد، نمونه‌ی شاخص آن در سوره‌ی بقره تکرار حرف نفی "لا" می‌باشد و از این اسلوب به هنگام بیان تعالیم احکام طلاق، انفاق و حج استفاده شده است، مانند: ﴿الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (البقره/۱۹۷) در این آیه اعمال حرام در حج بیان شده است مانند جماع، فسق و مجادله که به خاطر اهمیت و تاکید این موضوع حرف نفی "لا" سه بار تکرار شده است.

تکرار جمله، نوع دیگری از تاکید لفظی می‌باشد که این نوع از تاکید را در آیات ۴، ۴۷، ۱۲۲ سوره‌ی بقره می‌بینیم ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون﴾ (البقره/۴۰) ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ عَلَيَّ وَ أَنْتُمْ كُنْتُمْ رِجَالًا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ (البقره/۴۷) ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (البقره/۱۲۲) خداوند در این آیات از قوم بنی اسرائیل می‌خواهد که نعمت‌های خداوند را بیاد آورند و همچنین آن‌ها را به برتری بر عالمیان آگاه می‌سازد چرا که قوم بنی اسرائیل پیمان الهی را فراموش کردند و در چنگال رنج و عذاب افتادند. به همین علت خداوند با تکرار یاد آوردن نعمت‌های خود می‌خواهد که آن‌ها را به راه راست رهنمون سازد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد نوع دیگری از تاکید، تاکید معنایی می‌باشد در این نوع تاکید دو روش وجود دارد، تاکید بوسیله‌ی الفاظ که عبارتند از نفس، عین کلا، کلتا، کل، عامه، جمع، جمیع و ... و تاکید بوسیله‌ی تکرار مضمون جمله (الغلابینی، ۲۰۱۰/۶۴۹) نمونه‌هایی چند از این نوع تاکید در سوره‌ی بقره وجود دارد و کلمه‌ی "نفس" نقش بیشتری را ایفا می‌کند، به هنگام مورد خطاب قرار دادن قوم یهود و بیان احکام طلاق، لیکن بدلیل طولانی شدن بحث به ذکر موردی بسنده می‌شود، مانند: ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ مِنْكُمْ لَمَنِ طَمَعْتُمْ أَنْتُمْ لَمَنِ اتَّخَذْتُمْ آلِهَةً سِوَى اللَّهِ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ (البقره/۵۴) لفظ "انفس" در این آیه ظلم و ستم وارد بر قوم بنی اسرائیل را که نتیجه‌ی اعمال بد آن‌ها و مخالفت ورزی آنان از تعالیم خداوند است را تاکید می‌کند، و اما تاکید بوسیله‌ی مضمون جمله، مانند: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ (البقره/۲۵۵) بدرستیکه جمله‌ی "لا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ" تاکیدی است برای صفت "الْقَيُّومُ" که خداوند به آن وصف شده است چرا که قیام کامل و مطلق با غفلت سازگاری ندارد و این بدین معنا است که خداوند متعال از حکومتش و بندگانش به اندازه‌ی چشم بر هم زدنی غفلت ندارد (الزمخشری/د.ت.۱/۳۰۰)

۲- تاکید بوسیله‌ی اضافه شدن ادوات تاکیدی:

بمن ماه ۱۳۹۲

تاکید بوسیله‌ی "إنّ" و "أنّ": از مهمترین معانی "إنّ" تاکید می باشد. ابن یعیش در کتاب خود مهمترین فایده‌ی "إنّ" و "أنّ" را تاکید مضمون جمله می داند (ابن یعیش، د.ت/۸:۵۹) و در شرح التصریح نیز آمده است که "إنّ" و "أنّ" برای تاکید نسبت بین دو جزء جمله می باشد و نفی شک و انکار می کند (الازهری، د.ت/۱:۲۱۱) برای "أنّ" معانی متفاوتی وجود دارد که مهمترین وظیفه‌ی آن قرار گرفتن جمله در جایگاه مفرد می باشد و اکثر علمای نحو بر این باورند که "أنّ" مثل "إنّ" برای تاکید بشمار می آید و از آنجا که علمای علم نحو اعتقاد به تساوی "إنّ" و "أنّ" در تاکید دارند ممکن است دلالتی که برای "إنّ" به کار می رود برای "أنّ" هم قرار داد، با نگاهی ژرف بر کتاب‌های تفسیر و بلاغت صحت این ادعا ثابت می شود. اما اختلافی بین "إنّ" و "أنّ" وجود دارد، در تاکید با "أنّ" حرف "ل" مقدر است ولی در تاکید با "إنّ" حرف "ل" مقدر نمی باشد (صالح السامرائی، د.ت/۲۶۸:۱) از لفظ "إنّ" ۵۵ مرتبه و از "أنّ" ۱۹ مرتبه در سوره‌ی بقره استفاده شده است و این دو لفظ بیشترین کاربرد را نسبت به دیگر ادوات تاکیدی و حتی اسالیب تاکیدی دارند. با تحلیل آیات سوره‌ی بقره برای "إنّ" و "أنّ" دلالتی وجود دارد، از جمله:

الف - دلالت بر تعلیل: دلالت بر تعلیل یکی از اغراضی است که کلام با "إنّ" و "أنّ" آغاز می شود، زرکشی به این نکته اشاره دارد که هر جمله‌ای که با "إنّ" و "أنّ" آغاز شود افاده‌ی علت می کند و جوابی برای سؤال مقدر می باشد (الزرکشی، د.ت/۴۰۶:۲) در این سوره "إنّ" دلالت بر تعلیل دارد چرا که در آن احکام و تعالیم و دستورات زیادی بیان شده است و خداوند متعال بعد از صدور هر حکم آغاز کلام خود را با "إنّ" قرار می دهد تا علت صدور حکم را که خواه برای تشویق و یا برای برحذر نمودن بندگان باشد، بیان کند. ضمن تحلیل آیات به این نتیجه رسیده شد که به کارگیری "إنّ" برای دلالت تعلیل به نسبت "أنّ" بیشتر می باشد، مانند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (البقرة/۱۶۸) در این آیه "إنّ" برای تعلیل آمده است که چرا نباید از شیطان پیروی کرد در واقع دشمنی آشکار شیطان با بندگان علت پیروی نکردن از او می باشد.

﴿وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (البقرة/۲۳۷) در این آیه خداوند از بندگان خود می خواهد که ارزشهای انسانی همچون گذشت و فداکاری و ایثار را فراموش نکنند و سخن "إنّ" الله بما تَعْمَلُونَ بصیر" علت عدم فراموشی را می رساند و اشاره به عفو برای رضای خدا دارد (ابن عاشور، د.ت/۴۴۳:۲)

﴿إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (البقرة/۱۶۵) در این آیه خداوند عذابی بسیار سخت را برای کافران در نظر می گیرد، ابن عاشور در تفسیر خود آمدن "أنّ" را برای تعلیل می داند چرا که جمع شدن تمامی قوا در خداوند علت آن عذاب هولناک می باشد که کافران مشاهده می کنند و "ل" تعلیل در اینجا حذف شده است (ابن عاشور، د.ت/۹۴:۲)

ب- دلالت بر شدت ترغیب امر و تثبیت و تقریر کلام: یکی از دلایل آغاز جمله با "إنّ" در سوره‌ی بقره تثبیت و تقریر صفات خداوند می باشد تا اینکه این صفات به عنوان ملکه در جان و ذهن خوانندگان نقش ببندد، مانند: ﴿وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ

بمن ماه ۱۳۹۲

عَلِيمُ ﴿البقرة/۱۵۸﴾ بدرستیکه در این آیه صفات خداوند همچون، شکرگذار بودن و آگاه بودن بوسیلهی "إِنَّ" تاکید شده است تا در جان خوانندگان و شنونده‌گان نقش ببندد ﴿مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ ﴿البقرة/۲۷۳﴾ این آیه در مورد انفاق به بینوایان صحبت می‌کند و اینکه اگر منافقین بدانند که خداوند از انفاق کردن آنها حتی در امور پنهانی آگاه است رغبت و اشتیاق آنها برای این عمل افزوده می‌شود پس این صفت آگاه بودن خداوند را با "إِنَّ" تاکید می‌کند.

ج- دلالت بر اهمیت امر: اهمیت دادن و توجه به امر از جمله دلایل تاکید کردن بوسیله "إِنَّ" و "أَنَّ" می‌باشد اما لفظ "أَنَّ" بیشترین جایگاه را در این نوع دلالت دارد، مانند: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ ﴿البقرة/۲۰۳﴾ لفظ "اعلموا" به‌مراه "أَنَّ" دلالت بر اهمیت داشتن خبر دارد، در این آیه خداوند بندگان را به تقوی دعوت می‌کند و از بی تقوایی بر حذر می‌دارد چرا که هر کس که بر این باور باشد که بازگشت به سوی خداوند است سعی در طلب رضایت او دارد (ابن عاشور، د.ت/۲۰۸:۲) اسلوب "أَنَّ" همراه با افعال "اعلموا" یا "اعلم" ۱۵ بار در سوره‌ی بقره تکرار شده است که همه بر صفات خداوند مانند، احاطه‌ی او به تمامی امور، شنوا و بینا بودن او، بخشنده بودن و بی‌نیاز بودن او و تاکید دارد و همه‌ی آنها به نوعی دلالت به اهمیت خبر و تشویق مخاطب و یا عکس آن می‌باشد.

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ ﴿البقرة/۲۴۹﴾ این آیه امتحان خداوند از قوم بنی اسرائیل در برابر مقاومت بر تشنگی قوم بنی اسرائیل را نشان می‌دهد، در ابتدای آیه خداوند مؤمنین را بوسیلهی "إِنَّ" قبل از تمام شدن داستان مورد خطاب قرار می‌دهد تا اهمیت این آزمون را بیان کند (آلوسی، ۱/۱۴۱۵:۵۶۱)

د- دلالت بر رد انکار و شک: هنگامی که خبری مورد شک و انکار قرار می‌گیرد خبر مورد تاکید واقع می‌شود تا این شک و تردید از کلام زدوده شود تاکید بوسیلهی "إِنَّ" نسبت به "أَنَّ" بیشترین جایگاه را در این نوع دلالت دارد و بیشتر برای رد ادعاهای قوم بنی اسرائیل می‌باشد، مانند: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ ﴿البقرة/۱۲﴾ آمدن حرف "إِنَّ" باعث از بین رفتن ادعای منافقین بر اصلاح بودن خود می‌شود و مفسد بودن آنها را بطور حتم و یقین بیان می‌کند، برای اهمیت این انکار از ادوات تاکیدی مختلفی همچون ألا، ضمیر فصل، معرفه بودن دو رکن جمله استفاده شده است ﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ ﴿البقرة/۲۴۷﴾ آمدن "إِنَّ" ردی است برای قوم بنی اسرائیل چرا که بر این باورند که آن‌ها برای امر حکومت بهتر می‌باشند اما خداوند سخن آن‌ها را رد می‌کند و برگزیدن شدن حضرت موسی در امر حکومت را بدست خود می‌داند و خداوند است که نسبت به اصلاح امور آگاه است (آلوسی، ۱/۱۴۱۵:۵۵۹)

تاکید بوسیلهی لکن: لکن از اخوات "إِنَّ" می‌باشد که بر سر جمله‌ی اسمیه آورده می‌شود و فایده‌ی آن تاکید و نفی و یا ثبوت جمله‌ی قبل از خود می‌باشد (الزرکشی، د.ت/۴۰۸:۲) در سوره‌ی بقره در ۶ آیه از این اسلوب استفاده شده است، مانند: ﴿وَ

بهمن ماه ۱۳۹۲

اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا ﴿البقرة/۱۰۲﴾ در این آیه صفت کفر برای شیاطین و قوم یهود تاکید شده است و لیکن از حضرت سلیمان نفی شده است.

تاکید بوسیله "کأن": "کأن" برای تشبیه بکار می‌رود و مرکب می‌باشد از "کاف" که افاده‌ی تشبیه و "أن" که افاده‌ی توكید می‌کند (الازهری، د.ت/۱: ۲۱۲). پس لفظ "کأن" افاده‌ی تشبیه و تاکید می‌کند. در سوره‌ی بقره از "کأن" فقط یکبار استفاده شده است ﴿وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (البقرة/۱۰۱) خداوند به قوم یهود خبر آمدن پیامبر را قبل از ورود آن حضرت می‌دهد و علامت و نشانه‌های آن را بیان می‌کند و لی آنها خود را به غفلت زدند بنابراین خداوند آن‌ها را تشبیه کرد به شخصی که نه می‌بیند و نه می‌شنود و برای تاکید بیشتر این تشبیه از لفظ "کأن" استفاده می‌کند.

۳- تاکید بوسیله‌ی اضافه شدن حروف اضافه:

همان طور که حرف "ل" برای تاکید اثبات می‌آید حرف "ب" زائده هم برای تاکید نفی به خبر "ما" اضافه می‌شود و زرکشی در کتاب خود به این مطلب اشاره دارد و اضافه شدن "ب" بر خبر را از مؤکدات جمله‌ی اسمیه به شمار می‌آورد (الزرکشی، د.ت/۲: ۴۱۷) در ۹ مورد این اسلوب در سوره‌ی بقره آمده است و کاربرد بیشتر آن زمانی است که عدم غفلت خداوند از اعمال قوم یهود بیان می‌شود، مانند: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (البقرة/۸) بعد از اینکه خداوند در ابتدای سوره به ذکر صفات مومنین و کفار پرداخت سخن را به ذکر صفات منافقان انتقال می‌دهد و صفت مؤمن را از آن‌ها نفی می‌کند و به دلیل سیاق کلام حرف نفی "ما" را از بین حروف نفی انتخاب می‌کند چرا که نسبت به دیگر حروف نفی از شدت و تاکید بیشتری برخوردار است و این تاکید با اضافه شدن حرف زائده‌ی "ب" از شدت بیشتری برخوردار می‌شود.

۴- تاکید بوسیله‌ی جمله‌ی اسمیه:

جمله‌ی اسمیه بر خلاف جمله‌ی فعلیه که افاده‌ی تجدد می‌کند، دلالت بر ثبات و استمرار دارد و این دو از عناصر تاکید و شدت می‌باشد، این نوع جمله بر اساس سیاق کلام در همه‌ی حالات دلالت بر تاکید اعتقاد مخاطب دارد (محمد ابوموسی، ۱۹۸۸/۴۱۸) در سوره‌ی بقره از جمله‌ی اسمیه بارها استفاده شده است و گاهی اوقات عدول و یا خارج شدن از جمله‌ی فعلیه به اسمیه به چشم می‌خورد چرا که این سوره بیشتر به بیان احکام الهی می‌پردازد و ثابت بودن این احکام بر همگان واضح است، مانند: ﴿وَ لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (البقرة/۱۰۳) این آیه به توصیف یاران قصص و اساطیر می‌پردازد که آن‌ها

بهمن ماه ۱۳۹۲

سعادت خود و جامعه‌ی خود را از بین بردند و اشاره دارد به اینکه با ورود خود به دین خدا از ثواب بیشتری بهره می‌بردند و جمله-
ی اسمیه دلالت بر ثبوت و استمرار این ثواب دارد.

﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ﴾ (البقرة/۱۴) در این آیه خداوند اختلاف سخن منافقین با مؤمنین و یاران خود را نشان می‌دهد چرا که به هنگام سخن با مؤمنین از جمله‌ی فعلیه استفاده می‌کند که دلالت بر حدوث و تجدد دارد یعنی مؤمن بودن آن‌ها امری زودگذر بوده و بر اساس مصلحت است و لی به هنگام سخن با قوم خود از جمله‌ی اسمیه استفاده می‌کند که دلالت بر ثبوت دارد و اعتقاد فاسد آنها را نشان می‌دهد (البقره، ۵۴/۱۳۲۰)

۵- تاکید بوسیله‌ی تکرار مؤکدها:

حال مخاطب و شدت انکار و شک و تردید او نقشی مؤثر در اضافه شدن ادوات تاکیدی دارد چرا که وظیفه‌ی خبر قرار گرفتن معنا در ذهن خواننده می‌باشد، که نمونه‌های آن در سوره‌ی بقره عبارتند از:

تاکید بوسیله‌ی "لام ابتداء و جمله‌ی اسمیه، که ۳ مرتبه از این اسلوب برای بیان مسائل ازدواج و پاداش خداوند استفاده شده است، تاکید بوسیله‌ی "إِنَّ و لام ابتداء" و این نوع تاکید بیشترین جایگاه را در سوره دارد و ۱۱ بار تکرار شده است برای تاکید مسائل مختلفی از جمله صالح بودن حضرت ابراهیم، ظالم بودن قوم یهود، دو دستگی قوم یهود و آمده است، تاکید بوسیله-
ی "ضمیر فصل و معرفه بودن دو رکن جمله و اضافه شدن حرف "ألا" که در ۲ مورد برای بیان صفات مفسد بودن و بی‌خرد بودن قوم یهود به کار می‌رود چرا که آنها این صفات را به مؤمنین نسبت می‌دادند و خداوند برای رد انکار آنها از بیشترین تاکید استفاده کرده است، مانند: ﴿وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَ لَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَغْبَجْتُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكِينَ﴾ (البقرة/۲۲۱) در این آیه خداوند ازدواج مؤمن با غیر مؤمن را حرام می‌داند و ازدواج با کنیز و برده‌ی مؤمن را بهتر از مرد و زن آزاد مشرک می‌داند و کلام خود را با تاکید بیان می‌کند تا علت عدم ازدواج با غیر مسلمان را بیان کند و نیز بندگان خود را تشویق به ازدواج با مسلمانان کند.

﴿وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقرة/۴۵) خداوند برای تاکید شدت و سختی یاری جستن به صبر و نماز از ادوات تاکیدی چون "إِنَّ و لام ابتداء" استفاده کرده است.

﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ (البقرة/۱۳) این آیه سفاقت و بی‌خردی حاکم بر منافقین را نشان می‌دهد ولی منافقین عکس این مطلب را باور دارند بنابراین خداوند برای رد این ادعا از ادوات تاکیدی زیادی همچون "ضمیر فصل، معرفه بودن دو رکن جمله و اضافه شدن حرف "ألا" استفاده کرده است.

بهارن ماه ۱۳۹۲

۶- تاکید بوسیلهی قصر:

قصر به معنای حبس و اختصاص دادن چیزی به چیز دیگر به شیوه‌ای مخصوص می‌باشد و یا اینکه به اثبات حکم مذکور و نفی از غیر آن می‌پردازد (الجرجانی، ۲۴۴/۱۹۸۶) برای قصر اسلوب‌های متنوعی وجود دارد که هر کدام برای دلالت‌های خاصی بکار می‌روند از جمله قصر بوسیلهی "إنما، نفی و استثناء، ضمیر فصل، عطف و ... قصر به نسبت دیگر اسلوب‌های تاکید از شدت بیشتری برخوردار است چرا که دو جمله در این اسلوب تبدیل به یک جمله می‌شود (الجرجانی، د.ت/۲۲۶) تبدیل دو جمله به یک جمله را در اسلوب نفی و استثناء می‌بینیم چرا که جمله‌ای واحد، متضمن معنای نفی و اثبات می‌باشد

قصر بوسیلهی "إنما": از "إنما" در امور معلوم استفاده می‌شود به گونه‌ای که همه از آن خبر باخبرند و احدی آن را انکار نمی‌کند، در ۸ مورد از "إنما" استفاده شده است، مانند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ (البقرة/۱۱) در این آیه خداوند از منافقین با اسلوب "إنما" به جای اسلوب نفی و استثناء "ما نحن إلّا مصلحون" حکایت می‌کند چرا که می‌خواهد مسأله‌ی مصلح بودن آن‌ها را امری بدیهی جلوه دهد که هیچ احدی به آن شک ندارد و در حقیقت منکر به منزله‌ی غیر منکر باشد (الجرجانی، ۲۷۴/۱۳۲۱) دلالت‌های "إنما" شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- دلالت بر قصر و بازگشت حکم به حقیقت آن: بطلیموسی در بحث در مواضع "ما" هنگامی که "إن" به آن اضافه می‌شود، فایده‌ی آن را قصر و بازگشت حکم به حقیقت خود می‌داند (الطلیموسی، ۳۵۰/۱۹۸۰) مانند: ﴿وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ﴾ (البقرة/۱۴) در این آیه از اسلوب "إنما" برای رد اعتقاد شیاطین استفاده شده است چرا که آن‌ها در اعتقاد منافقین به خاطر دیدارشان با مؤمنین به شک افتادند، نکته‌ی مهم در اینجا این است که این رد انکار به حقیقت امر نمی‌باشد چرا که منافقین کسانی هستند که بر اساس مصالحشان عمل می‌کنند و به حقیقت واحد اعتقادی ندارند و در این آیه حقیقت، از نگاه منافقین می‌باشد، این نوع دلالت بیشترین جایگاه را بین دلالت‌های دیگر دارد.

ب- دلالت بر تعریض: تعریض به این معنا است که سخنی ذکر شود و لی معنای دیگری که از سیاق کلام بر می‌آید از آن برداشت شود (الهاشمی، ۲۸۹/۱۹۹۹) این نوع دلالت در یک آیه سوره‌ی بقره وجود دارد ﴿وَ اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأُمُورِ آهْوَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ عَصَوْا عَنْ آيَاتِنَا هُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (البقرة/۱۰۲) شاهد در سخن " إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ " می‌باشد، معنای ظاهری کلام نشان می‌دهد که یادگیری سحر و جادو برای آزمایش بندگان خداوند است و میزان اعتقاد آن‌ها را به خداوند نشان می‌دهد ولی معنای ثانوی که همان معنای اصلی می‌باشد تعریض به کسانی است که یاد دهنده‌ی سحر و جادو هستند و اینکه عمل آن‌ها منجر به گناه می‌شود (عبید دراز/۲۲۲/۱۹۸۶) در واقع خداوند آن‌ها را بوسیله‌ی اسلوب تعریض از این عمل باز می‌دارد تا ذهن آن‌ها را برانگیزد.

بمن ماه ۱۳۹۲

ج- دلالت بر شدت و تقویت تاکید: بدرستیکه که "إنما" در جاهایی که کلام نیاز به شدت و تقویت دارد، بکار می‌رود همچنین در اموری که مخاطب از آن آگاه است و یا اینکه با علم به آن امر آن را انکار می‌کند. "إنما" از دو جزء "إن" و "ما" تشکیل یافته است که هر دو برای تاکید می‌باشند و به هنگام قرار گرفتن این دو جزء در کنار هم شدت تاکید بیشتر می‌شود (لاشین، د.ت/۱۱۲) مانند: ﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (البقرة/۱۳۷) خداوند در این آیه به اهل کتاب می‌فرماید که با از دست دادن ایمان به خدا و پیامبر اختلاف و دوگانگی بر آن‌ها چیره می‌شود و این دو گانگی را به شدت و تاکید بیان می‌کند.

د- دلالت بر حصر: اکثر علمای نحو بر این باورند که "إنما" دلالت بر حصر دارد (السیوطی، ۱۴۲۶/۲:۱۹۲) مانند: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقرة/۱۸۱) در این آیه خداوند گناه تغییر وصیت نامه را به تغییر دهنده‌ی آن اختصاص می‌دهد و از نویسنده‌ی وصیت و افرادی که مورد وصیت قرار می‌گیرند، ساقط می‌کند و این آیه وجود یک فرد ناظر را به هنگام نوشتن وصیت لازم می‌داند.

قصر بوسیله "ما" و "إِنَّمَا": قصر بوسیله "إِنَّمَا" و "ما" و یا هر حرف نفی که می‌تواند جایگزین آن شود از شایعترین روش‌های قصر بشمار می‌آید و در ۷ مورد آمده است و دلالت‌های مختلفی برای آن وجود دارد از جمله:

الف- دلالت بر صدور حکمی راسخ و قاطع: از این اسلوب خداوند برای وصف امری خارق العاده چه در زمان ماضی، مضارع و یا حال استفاده می‌کند و در به تصویر کشیدن حال متکلم از آن استفاده می‌شود (عبید دراز، ۱۹۸۶/۱۶۶) مانند: ﴿فَمَا جَزَاءُ مَنْ يُفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (البقرة/۸۵) در این آیه خداوند به عذاب دردناک و ننگ در آخرت و دنیا برای قوم یهود اشاره می‌کند چرا که آنها از دستورات خداوند سزپچی کرده‌اند و به کشتار یکدیگر پرداخته‌اند. ساختار کلام که شدت انکار و غفلت قوم یهود را نشان می‌دهد علت بکارگیری این اسلوب را در بین سایر اسلوب‌ها نشان می‌دهد.

ب- دلالت بر تعریض: اصل استفاده از شیوه‌ی نفی و استثناء برای انکار امر و جهل مخاطب می‌باشد ولی گاهی اوقات برای تعریض می‌آید، مانند: ﴿وَلَسْتُمْ بِأَخْذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (البقرة/۲۶۷) کراهت داشتن نسبت به گرفتن مال حرام امری واضح و بدیهی است و لیکن این آیه تعریض به کسانی است که همان طور که از گرفتن مال حرام کراهت دارند نسبت به دادن مال حرام به دیگران نیز خودداری ورزند.

ج- دلالت بر اختصاص و حصر: بدرستیکه "إِنَّمَا" برای اختصاص بکار می‌رود و زمانی که با "ما" همراه گردد برای اختصاص دادن صفت به ما بعد "إِنَّمَا" بکار می‌رود و از دیگران نفی می‌کند، مانند: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ ائْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (البقرة/۱۹۳) در این آیه خداوند از بندگان خود می‌خواهد که با مشرکین در مبارزه باشند تا دست از

بهمن ماه ۱۳۹۲

فتنه بر دارند پس اگر به فتنه‌ی خود خاتمه دادند دیگر با آن‌ها در تجاوز و دشمنی نباشند چرا که دشمنی و تجاوز جز بر ستمگران روا نیست، پس تجاوز فقط به ستمگران که پافشاری بر فتنه دارند اختصاص دارد و از غیر آن‌ها سلب می‌شود.

دلالت قصر بوسیله‌ی تقدیم: گاهی اوقات مسندالیه بر مسند مقدم می‌شود و این امر بدون هدف نمی‌باشد و برای دلایلی چون اختصاص، لذت، تحقیر و... می‌باشد، برای نمونه به دلالت اختصاص اشاره می‌شود و کاربرد بیشترین این دلالت برای اختصاص دادن صفاتی همچون، رازق بودن، عالم بودن، هدایت‌گر بودن و ... به خداوند می‌باشد، و یا نفی صفاتی برای مؤمنین و اختصاص دادن آن به کافرین و یا بالعکس می‌باشد، مانند: ﴿اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (البقرة/۲۱۲) در این آیه صفت "رازق" به خداوند اختصاص داده و از غیر خداوند نفی شده است ﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقرة/۳۸) در این آیه مسندالیه منفی بر مسند مقدم شده است و غم و ناراحتی هنگام مرگ و ترک دنیا از پیروان خداوند سلب می‌شود و به کافران اختصاص داده می‌شود.

دلالت تاکید بوسیله‌ی ضمیر فصل: از اصلی‌ترین دلالات ضمیر فصل، دلالت بر این است که بعد از مبتدا، خبر می‌باشد، و لیکن ضمیر فصل برای تاکید کلامی که در آن اختصاص و قصر برای مبالغه و حقیقت می‌باشد نیز بکار می‌رود.

الف- دلالت بر تاکید قصر ادعائی: گاهی مواقع ضمیر فصل برای تاکید کلامی می‌آید که در آن اختصاص و قصر برای مبالغه می‌باشد، مانند: ﴿إِلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (البقرة/۱۲) خداوند در این آیه صفت مفسد را به منافقین اختصاص می‌دهد چرا که مسند به صورت معرفه آمده است و با گفتن "إنهم المفسدون" مصلح بودن منافقین رد می‌شد ولی با استفاده از ضمیر فصل "هم" به تاکید این ادعای دروغین آن‌ها کمک میشود و دلالت بر این دارد که صفت فساد به آن‌ها اختصاص دارد (ابن عاشور، د.ت/۱: ۲۸۴)

ب- دلالت بر تاکید و تقویت امر: ضمیر فصل در گاهی اوقات فقط دلالت بر تقویت و تاکید اسم قبل از خود را دارد و این دلالت زمانی می‌باشد که اسم قبل از ضمیر فصل، ضمیر باشد (حسن، ۲۲۰/۱۴۰۷) مانند: ﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (البقرة/۳۲) و ﴿إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (البقرة/۳۷) بدستیکه ضمیر فصل "هو" و "أنت" در این دو آیه به تثبیت و تقویت صفات عالم بودن و حکیم بودن و توبه پذیر بودن خداوند می‌پردازد، این نوع دلالت نقشی بارزی را در بین دلالات دیگر ایفا می‌کند و بیشتر برای بیان کردن صفات خداوند از جمله عالم بودن، توبه پذیر بودن، حکیم بودن و ... بکار می‌رود.

ج- دلالت بر تاکید قصر حقیقی: گاهی اوقات کلام بوسیله‌ی "أل" تعریف مؤکد می‌شود و دلالت بر قصر دارد و قرار گرفتن ضمیر فصل در جمله فقط بسبب تاکید این قصر می‌باشد ﴿إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (البقرة/۳۷) بدستیکه صفت توبه پذیر بودن فقط مختص به خداوند است و غیر از او تجاوز نمی‌کند و "أل" در این آیه دلالت بر قصر دارد و ضمیر فصل دلالت بر تاکید این صفت در وجود خداوند دارد.

بهارن ماه ۱۳۹۲

نتیجه گیری:

جمله‌ی اسمیه به سه دسته‌ی تقسیم می‌شود: جمله‌ی اسمیه‌ی مثبت، جمله‌ی اسمیه‌ی منفی، جمله‌ی اسمیه‌ی مؤکد. در سوره‌ی بقره جمله‌ی اسمیه‌ی مؤکد بعد از جمله‌ی اسمیه‌ی مثبت از بیشترین جایگاه برخوردار است و تقریباً ۳۰ درصد از جمله‌ی اسمیه‌ی در سوره‌ی بقره مؤکد می‌باشد و این به دلیل موضوعاتی است که در این سوره بیان می‌شود از جمله صدور تعالیم الهی شامل احکام حج، طلاق، سفر و... و همچنین مورد خطاب قرار دادن قوم بهانه جوی یهود که نیاز به استفاده از جملات تأکیدی را ثابت می‌کند.

اسلوب تأکید در سوره‌ی بقره برای دلالت‌های مختلفی همچون اختصاص، رد انکار، تقویت و اهمیت امر می‌آید.

تأکید بوسیله "إِنَّ" در ۵۵ مورد و "أَنَّ" در ۱۹ مورد بیشترین جایگاه را در بین اسلوب‌های دیگر دارند و برای دلالت‌هایی همچون تعلیل، شدت ترغیب امر، تقویت و تثبیت کلام، رد انکار استفاده شده است، ولی در تأکید بوسیله‌ی "إِنَّ" دلالت بر تعلیل بیشترین نقش را در بین دلالت‌های دیگر ایفا می‌کند چرا که این سوره مملوء از احکام و دستورات الهی می‌باشد و خداوند بعد از صدور هر حکم خواه تحذیر باشد و یا ترغیب کلام خود را با "إِنَّ" آغاز می‌کند تا علت آن حکم بیان شود. اسلوب "أَنَّ" همراه با افعال "أَعْلَمُوا" یا "أَعْلَمَ" ۱۵ بار در سوره‌ی بقره تکرار شده است که همه بر صفات خداوند مانند، احاطه‌ی او به تمامی امور، شنوا و بینا بودن او، بخشنده بودن و بی‌نیاز بودن او و ... تأکید دارد و همه‌ی آن‌ها به نوعی دلالت به اهمیت خبر و تشویق مخاطب و یا عکس آن می‌باشد.

تأکید بوسیله‌ی "لَا" ابتداء و جمله‌ی اسمیه، که ۳ مرتبه از این اسلوب برای بیان مسائل ازدواج استفاده شده است، تأکید بوسیله‌ی "إِنَّ" و "لَا" ابتداء" و این نوع تأکید بیشترین جایگاه را در سوره دارد و ۱۱ بار تکرار شده است برای تأکید مسائل مختلفی از جمله صالح بودن حضرت ابراهیم، ظالم بودن قوم یهود، در اختلاف بودن قوم یهود و ... آمده است، تأکید بوسیله‌ی "ضَمِيرِ فَصْلٍ" و معرفه بودن دو رکن جمله و اضافه شدن حرف "أَلَا" که در ۲ مورد برای بیان صفات مفسد بودن و بی‌خرد بودن قوم یهود به کار می‌رود چرا که آنها این صفات را به مؤمنین نسبت می‌دادند و خداوند برای رد انکار آنها از بیشترین تأکید استفاده کرده است. اسلوب قصر شدیدترین نوع تأکید می‌باشد چرا که شیوه‌ی نفی و استثناء که در آن دو جمله تبدیل به یک جمله می‌شود، در این اسلوب جای می‌گیرد و خداوند از این روش هنگامی که به وصف امری خارق العاده می‌پردازد چه در گذشته و یا حال و آینده باشد و دلالت‌های آن شامل: دلالت بر صادر شدن حکمی راسخ و قاطع، دلالت بر تعریض، دلالت بر حصر و اختصاص، دلالت بر تأکید و تقریر و در آیاتی از این اسلوب استفاده می‌شود که محل انکار و شک قرار می‌گیرند، مانند آیاتی که قوم یهود را مورد خطاب قرار می‌دهد.

بهمین ماه ۱۳۹۲

در ۸ مورد از "انما" استفاده شده است و دلالت های زیادی برای این اسلوب در سوره آمده است، مانند: دلالت بر تعریض، دلالت بر شدت تاکید و تقویت آن، دلالت بر قصر و بازگشت امر به حقیقت آن و از این نوع دلالت نسبت به دیگر دلالت بیشتر استفاده شده است.

در ۶ مورد از اسلوب نفی و استثناء استفاده شده است از این اسلوب خداوند برای وصف امری خارق العاده چه در زمان ماضی، مضارع و یا حال استفاده می کند و در به تصویر کشیدن حال متکلم از آن استفاده می شود و از این نوع اسلوب در مواضعی مانند شدید بودن انکار و جهل قوم یهود به یگانگی خداوند و بیان آگاهی خداوند به تمامی امور می باشد.

منابع و مراجع:

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر(د.ت) تفسیر التحریر و التنویر، بدون مکان نشر.
- ابن فارس، ابی الحسین أحمد بن فارس بن زکریا (۱۹۷۹) معجم مقاییس اللغة، بغداد: دار الفکر
- ابن منظور، أبوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۹۹۷) لسان العرب، بیروت: دار صادر
- ابن یعیش، موفق الدین یعیش بن علی(د.ت) شرح المفصل، بیروت: عالم الکتب
- الأزهري، خالد بن عبدالله(د.ت) شرح التصريح على التوضيح أو التصريح بمضمون التوضيح في النحو، تحقيق: محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الکتب العلمیة.
- آلوسی، سید محمود(۱۴۱۵) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: عبد الباری عطیة، بیروت: دار الکتب البطلیموسی، أبو محمد عبدالله بن محمد بن السید(۱۹۸۰) الحلل فی إصلاح الخلل فی شرح الجمل، تحقیق: سعید عبدالکریم مسعودی، بغداد: دار الرشید للنشر.
- البکری، محمد تاج الدین أبی الحسن (۱۳۲۰) تسهیل السبیل فی فهم معانی التنزیل، بغداد: مکتبة الأوقاف ببغداد.
- الجرجانی، علی بن محمد بن علی، (۲۰۰۶). التعريفات. دار البيضاء.
- الجرجانی، أبوبکر عبدالقاهر بن الرحمن الجرجانی(۱۳۲۱) دلائل الإعجاز، القاهرة: مکتبة الخانجی.
- الجرجانی، السید الشریف أبوالحسن علی بن محمد بن علی(۱۹۸۶) التعريفات، بغداد
- الجرجانی، علی بن محمد(د.ت) حاشیة السید الشریف علی شرح الرضی علی الکافیة لابن حاجب، مکتبة جامعة ملک مسعود قسم المخطوطات
- حسن، عباس(۲۰۰۷) النحو الوافی، ط ۱، بیروت: مکتب المحمدی.
- زرکشی، محمد بن عبدالله(د.ت) البرهان فی علوم القرآن، دارالإحياء الکتب العربیة.
- الزمخشری، أبوالقاسم جارالله محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی (د.ت)المفصل فی علم العربیة، القاهرة: مطبعة أرنالد.



دومین ہمیش ملی اعجاز قرآن



بہمن ماہ ۱۳۹۲

- السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۴۲۶) الإیتقان فی علوم القرآن، المدینة.
صالح السامرائی، فاضل (د.ت) معانی النحو، القاهرة: شركة العاتک لصناعة الكتاب.
عبید دراز، صباح (۱۹۸۶) اسالیب القصر فی القرآن الکریم و أسرارها البلاغیة، ط ۱، مصر: مطبعة الأمانة.
العلوی، یحیی بن حمزة بن علی بن إبراهیم (۱۹۱۴) الطراز المتضمن لأسرار البلاغۀ و علوم حقائق الإعجاز، بیروت: دار الکتب العلمیة.
غلابینی، مصطفی (۲۰۱۰) جامع الدروس العربیة، بیروت: مكتبة العصریة.
لاشین، عبدالفتاح (د.ت) التراکیب النحویة من الوجهة البلاغیة عند عبدالقاهر، دار المرین: ریاض.
محمد أبوموسی، محمد (۱۹۸۸) البلاغۀ القرآنیة فی تفسیر الزمخشری و أثرها فی الدراسات القرآنیة، القاهرة: مكتبة وهبة.
الهاشمی، أحمد (۱۹۹۹) جواهر البلاغۀ فی المعانی و البیان و البدیع، بیروت: المكتبة العصریة.